

## جلب حمایت جنبش کارگری جهانی از کارگران ایران، قسمت سوم مصاحبه با رضا مقدم حول مباحث کنفرانس ششم سازمان اتحاد سوسیالیستی کارگری

به نقل از به پیش! ۳۴، پنجشنبه ۲۳ آبان، ۱۳ نوامبر ۲۰۰۸

۱۲ - از دیگر موضوعات مورد بحث در کنفرانس ششم فعالیت برای جلب همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج کشور بود. در خارج کشور، این عرصه از فعالیت همواره مورد تأیید و تأکید اتحاد سوسیالیستی کارگری بوده است. چه مسئله جدیدی بحث مفصل در این باره را ایجاب می‌کرد؟

بله. ما همواره بر فعالیت برای جلب همبستگی با جنبش کارگری ایران تأکید داشتیم و در آن فعال بودیم. چرا که این وجهی از فعالیت جنبش کارگری ایران است که فعلا و بنا به موقعیت فعلی طبقه کارگر ایران در خارج انجام میشود. به عبارت دیگر این تنها عرصه از فعالیت در خارج کشور است که مستقیما و بلاواسطه ادامه جنبش کارگری در داخل است. بحث مفصل در این عرصه به دو دلیل ضروری بود. اولاً، فعالیت برای جلب همبستگی در خارج کشور وارد دوران جدیدی شده است که باید آنرا شناخت و تغییراتی را که لازم است در این عرصه از فعالیت دخیل کرد، و دوماً، به اندازه ای که شایسته مبارزات و جانفشانی‌های طبقه کارگر ایران است، و به حدی که جنبش کارگری ایران به آن نیاز مبرم دارد رشد و گسترش نیافته است. حمایت از جنبش کارگری ایران در خارج کشور ظرفیت و پتانسیل رشد عظیمی نسبت با آنچه الان هست دارد و لذا باید موانع رشد و گسترش آنرا تحلیل کرد و آنها را رفع نمود.

۱۳ - جلب همبستگی برای جنبش کارگری بیش از دو دهه است که اساسا توسط فعالین جنبش کارگری ایران در خارج کشور جریان دارد. مشخصات این دوره جدید چیست و چه تفاوتی با گذشته کرده است؟

فعالیت برای ایجاد همبستگی کارگری دوران متفاوتی را پشت سر گذاشته است که توضیح مفصل درباره هر کدام را باید به فرصت دیگر و اساسا به نوشته‌هایی که بطور مشخص به همین موضوع اختصاص دارد، واگذار کرد. به اختصار این فعالیت را می‌توان به ۲ دوره تقسیم کرد. در دوره اول فعالین کارگری گریخته از چنگ رژیم راسا وظیفه نمایندگی و بیان مطالبات طبقه کارگر ایران را بعهده گرفتند و با کار مداومی نزدیک به دو دهه جنبش کارگری کشورهای محل اقامت خود را با مسائل جنبش کارگری ایران آشنا کردند و حمایت آنها را در دفاع از خواستهای کارگران و در اعتراض به سرکوب جنبش کارگری توسط رژیم اسلامی جلب کردند. این دوره با عروج جنبش کارگری ایران پس از اول ماه مه سفر در سال ۱۳۸۳ به پایان رسید. جلوی صحنه آمدن فعالین جنبش کارگری در داخل و آگاهی و آشنایی وسیع تشکلهای کارگری جهانی با اوضاع جنبش کارگری ایران و حمایت بین المللی از طبقه کارگر ایران این دوره را از دوره اول جدا میسازد و از مشخصات دوره دوم است. در این دوره فعالین جنبش کارگری در ایران به انحاء گوناگون متشکل شده اند و نشریه منتشر می‌کنند و خود وظیفه بیان خواستهایشان را راسا بعهده گرفته اند و به دوره ای که فعالین خارج بشکل نیابتی مطالبات کارگری را بیان می‌داشتند، پایان دادند. در دوره دوم حتی بیشترین سخنرانیهای صورت گرفته در خارج کشور توسط فعالین جنبش کارگری داخل و توسط شبکه اینترنتی انجام شده است.

۱۴ - بازتاب مشخص به میدان آمدن خود فعالین جنبش کارگری در داخل که شما از آن بعنوان یکی از دلایل دور دوم می‌برید در فعالیت کمیته‌های همبستگی چیست؟

رشد جنبش کارگری ایران فعالیت همبستگی در خارج کشور را به یک فعالیت کاملا پشت جبهه ای تبدیل کرده است. بدین معنی که اکنون وظیفه این کمیته‌ها رساندن صدای جنبش کارگری و فعالینش که فی الحال خود دارای انواع نشریه و تشکل هستند و اطلاعیه‌های خبری صادر می‌کنند به جنبش کارگری جهانی است. دوران مرجعیت کمیته‌های همبستگی که راسا و بشکل نیابتی خواستهای جنبش کارگری را بیان می‌کردند و یا برایشان سیاست و شعار تعیین می‌کردند، پایان یافته است. اکنون فعالیت کمیته‌های همبستگی تنها می‌تواند فعالیتی اساسا تابع فعالیت‌های تشکلهای و فعالین جنبش کارگری در داخل باشد و به این اعتبار کاملا پشت جبهه ای است. یعنی اصل جنبش کارگری ایران و تشکلهای و فعالینش در داخل است و فعالیت در خارج و کمیته‌های همبستگی پشت جبهه جنبش کارگری ایران است.

دوره جدید موانع همکاری گرایش‌ها و خطوط گوناگون در کمپین‌های همبستگی را می‌کاهد. بدین معنی که مبنای اتحاد در این کمیته‌ها و کمیته‌ها نه توافق بر سر نظرات و سیاست‌های هر یک از این گرایش‌ها و خطوط مختلف و افراد است و نه توافق بر سر مخرج مشترک مواضع و سیاست‌های آنهاست. این کمیته‌ها برای حمایت از کل جنبش کارگری ایران علیه کارفرماها و دولت ایجاد شده است و لذا جلسات این کمیته‌ها تنها محل بحث بر سر چگونگی دفاع از جنبش کارگری ایران و طرح‌ها و ابتکارات معین در این زمینه است. این سهولت در متحد شدن کمک بزرگی به گسترش کمیته‌های همبستگی هم از نظر تعداد و هم از نظر قدرت بسیج

در برگزاری تظاهراتها و جمع آوری کمک مالی است. و این در گرو همکاری تنگاتنگ و اتحاد این کمپینها در ظرفهای بزرگتر است چرا که بطور مثال تنها تظاهراتها و کمپینهای جمع آوری کمک مالی که فراتر از یک شهر و یک کشور و هماهنگ با هم در یک زمان معین انجام شود قدرت تاثیر گذاری و امکان موفقیت دارد. این اتحاد و هماهنگی را باید بوجود آورد و موانع آنرا با حوصله و صبوری و با بیشترین انعطاف بر طرف کرد. تا آن روز این همکاریها می تواند به اشکال مختلف و تحت نامها و عناوین متفاوت صورت گیرد، از اتحاد عمل های موردی با هر تعداد ممکن از این کمیته ها و کمپینها تا اتحادهای دائمی تری که نمونه هایی از آن هم اکنون وجود دارد.

**۱۵ - بیانیه کنفرانس بر دوران کریستالیزه شدن و هویت مشترک بخشیدن به گرایش سوسیالیسم کارگری تاکید دارد و شما اینجا از همکاری گرایشها در کمپینهای همبستگی و آن هم با بیشترین انعطاف صحبت می کنید. چگونه میشود هر دو این سیاستها را با هم و همزمان داشت؟**

اولویت مهم ما تلاش برای ایجاد یک هویت مشترک و شفاف برای گرایش سوسیالیسم کارگری است و بحث بر اختلاف گرایشها چپ و راست در جنبش کارگری تنها و تنها بخش کوچکی از این تلاش است و در داخل و خارج کشور جریان داشته و ادامه خواهد یافت. اما از آنجا که سوسیالیسم کارگری هیچ منفعتی جدا از منافع کل طبقه ندارد در خارج کشور و در این کمپینها می توانیم با گرایشها و خطوط دیگر و در چهارچوب فعالیت کمپینی در دفاع از جنبش کارگری ایران علیه کارفرماها و دولت مشترک فعالیت کنیم. از منظر سوسیالیسم کارگری اینها با هم تناقضی ندارند مادام که گرایشها و خطوط دیگر این کمپینها را علیه سوسیالیسم کارگری بکار نمی گیرند. مسئله این است اتحاد در چهارچوب کمپینهای همبستگی نظیر اتحاد در احزاب و سازمانهای سیاسی نیست که بر یک اعتقادات پایه ای، برنامه ای و... غیره متکی باشد. چسب اتحاد در کمپینهای همبستگی همانطور که بالاتر هم توضیح دادم در نزدیکی نظری گرایشها نیست. آنچه این همکاری ها را حفظ می کند اولاً، نحوه تصمیم گیری شفاف و روشن و بر اساس اتفاق آرا است. هیچ گرایش و فردی حاضر نیست وارد یک فعالیت مشترک با خطوط و گرایشها دیگر شود و بر اساس روشی بجز تصمیم گیری بر اساس اتفاق آرا عملاً به مهر پلاستیکی تائید اقدامات و سیاستهایی تبدیل گردد که با آن موافق نیست. دوم، وجود مناسبات سالم، اصولی و شفاف است تا تضمینی باشد برای جلوگیری از محفل بازی و توطئه های مخفیانه علیه دیگر گرایشها و افراد. فعالیت مشترک گرایشها در کمپینهای همبستگی فقط بر مبنای احترام متقابل و اجتناب از بر چسب زنی و هتک حرمت و شرافت سیاسی یکدیگر امکان پذیر است و به جز آن، اتحاد و فعالیت مشترک گرایشها برای حمایت از مبارزه و منافع کل طبقه کارگر علیه کارفرماها و رژیم اسلامی را خدشه دار می کند.

**۱۶ - جلب همبستگی تشکلهای کارگری جهانی با جنبش کارگری ایران در دور جدید چه جایگاهی یافته است؟**

کمیته ها و کمپین های همبستگی در خارج کشور تا هنگامی که خود فعالین و تشکلهای داخل کشور راساً قادر به ایجاد ارتباط با جنبش کارگری بین المللی نشده اند، وظیفه متصل نگاه داشتن این دو را به عهده دارند. با پیشروی جنبش کارگری به سمت تشکل یابی این فعالیت هم پایان می یابد و بسیار کمرنگ می گردد. بطور مثال کارگران واحد سندیکای خود را ایجاد کردند و به اتحادیه جهانی کارگران ترانسپورت پیوستند. در خارج کشور، اکنون اتحادیه جهانی ترانسپورت بیشترین بار حمایت از سندیکای واحد را بعهده دارد و راساً در دفاع از آنها کمپین حمایتی میگذارد و لذا این کمپینها هستند که باید خود را با کمپین اتحادیه جهانی ترانسپورت تنظیم و هماهنگ کنند. باید تاکید کرد اینجا منظور جلب همبستگی از تشکل های اصیل کارگری است مستقل از سیاستهای حاکم بر آنها که ممکن است لیبرالی یا سوسیال دموکراسی باشد و نه نهادهایی که تحت عناوین مختلف، نظیر مرکز همبستگی آمریکایی، که ابزار دست سیاست خارجی دولتهایشان برای به فساد کشاندن جنبش های کارگری است. به این اعتبار کمپین های همبستگی باید نسبت به فعالیتهای مرکز همبستگی آمریکا برای رخنه و به فساد کشاندن جنبش کارگری ایران حساسیت مطلق داشته باشند. بعلاوه ضروری است تا تشکلهای و فعالین جنبش کارگری در داخل هم نسبت تشکلهایی نظیر مرکز همبستگی آمریکایی و همچنین نسبت به افرادی که عموماً ارتباطشان را با تشکلهای کارگری برقرار می کنند، حساس باشند.

**جنبش زنان و تکالیف گرایش سوسیالیسم کارگری**

**۱۷ - در کنفرانس یک سمینار جانبی نیز در مورد جنبش زنان و کمپین یک میلیون امضا برگزار شد. در مجموع دخالت موثر سوسیالیسم کارگری در جنبش زنان از چه زاویه ای اهمیت دارد؟**

با عروج جنبش اصلاحات و رئیس جمهور شدن خاتمی یک خط مشی معین که ملغمه ای از سوسیال دموکراسی و لیبرالیسم بود در جنبش کارگری، جنبش دانشجویی و جنبش زنان به جلوی صحنه آمد و وظیفه سخنگویی این جنبشها را از زاویه ای اساساً لیبرالی (و تا آنجا که جنبش زنان بر می گردد بعضاً آغشته به اسلام نیز بود)، به عهده گرفتند. به این اعتبار هرگونه تاثیر گذاری

سوسیالیستی در این جنبشها در گرو نقد لیبرالیسم هم از نظر عقیدتی و هم از نظر استراتژی معینی بود که برای هر یک از این جنبشها مطرح میکرد. در قسمت های قبل روندی که دو جنبش کارگری و دانشجویی طی کردند تا یک استراتژی سوسیالیستی در آنها دست بالا پیدا کند به اختصار بیان شد. چنین روندی باید در جنبش زنان نیز طی شود و استراتژی سوسیالیستی در جنبش زنان تبیین شود، قوی گردد و دست بالا پیدا کند. طی چند ساله گذشته استراتژی لیبرالیسم و سوسیال دمکراسی در جنبش کارگری و دانشجویی به عقب رانده شده و استراتژی گرایش سوسیالیسم کارگری در آنها دست بالا یافته است اما استراتژی لیبرالی هنوز بر جنبش زنان کماکان سلطه دارد.

یک استراتژی طبقاتی و سوسیالیستی بدون دست بالا یافتن در جنبش زنان و یا حداقل عروج آن بعنوان یکی از دو شاخه اصلی در جنبش زنان هنوز کامل نیست. تنها یک جنبش کارگری که بر اساس یک استراتژی سوسیالیستی دیگر جنبشهای اجتماعی را نیز در کنار خود داشته باشد، یعنی بگونه ای که هر یک از این جنبشها در عین اینکه برای مطالبات خود مستقیما مبارزه می کنند بر مبنای یک استراتژی واحد بخش های مختلف یک جنبش طبقاتی و سوسیالیستی را شکل دهند امکان و قدرت دستیابی به وسیع ترین آزادیهای فردی و اجتماعی و الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و لغو کار مزدی را دارد. کنفرانس ششم بر ضعف گرایش سوسیالیسم کارگری در جنبش زنان انگشت نهاد و لزوم شروع اقداماتی برای رفع آن را ضروری دانست. حتی همین که سودابه مهاجر بحث بر سر جنبش زنان و کمپین یک میلیون امضا را در یک سمینار جانبی ارائه داد و نه در جلسه رسمی و برای تصویب اسنادی که بیانگر مواضع ما در قبال جنبش زنان باشد، باندازه کافی گویای ضعف گرایش سوسیالیسم کارگری در جنبش زنان و کارهای زیادی است که باید انجام گیرد.

## ۱۸- پرداختن به کمپین یک میلیون امضا و نقد آن چه مکانی برای گرایش چپ و سوسیالیست در جنبش زنان دارد؟

خط مشی لیبرالی و سوسیال دمکراسی در جنبش زنان، که آغشته به اسلام نیز هست و "فمینیسم اسلامی" را نیز در بر میگیرد، اکنون در کمپین یک میلیون امضا متشکل است. توسط چپها و سوسیالیستها تاکنون انتقاداتی به کمپین یک میلیون امضا صورت گرفته اما اساسا از زاویه اختلافات عقیدتی و ایدئولوژیک به ویژه نقد آمیختگی آن با اسلام و دخیل بستن آنها به آخوندهای دارای رساله به اصطلاح "لایت" بوده و یا تشریح و اختلافات برنامه ای و نوع مطالبات را مد نظر داشته است. اما این نقدها که بعضا بسیار اصولی، عمیق و وزین بوده نتوانسته است راه را برای عروج شاخه ای و یا نوعی از جنبش زنان که خود را رسما و علنا در کنار جنبش کارگری و دانشجویی بداند، راهگشا باشد.

طبعاً نقد گرایش سوسیالیسم کارگری به کمپین یک میلیون امضا قبل از آنکه از زاویه اختلافات عقیدتی، ایدئولوژیک، برنامه ای و یا مطالباتی باشد نقدی است به استراتژی این کمپین برای دستیابی به خواستهای زنان. استراتژی منبعث از لیبرالیسم حاکم بر کمپین یک میلیون امضا را باید نقد کرد و در تقابل با آن استراتژی سوسیالیستی و رادیکالی را برای پیشروی جنبش زنان در جهت کسب مطالباتش تبیین نمود و تثبیت کرد. یک استراتژی طبقاتی و سوسیالیستی که بتواند راهها و روشهای کاملا واقع گرایانه، عملی و کارساز را برای پیشروی جنبش زنان بیان و تشریح کند. در این صورت اساس مباحث در جنبش زنان حتی اگر تا عمیق ترین سطوح تئوریک، نظری و سیاسی علیه لیبرالیسم و سوسیال دموکراسی جریان یابد و یا آمیختگی آن با اسلام و رفت و آمدهایشان به حوزه های علمیه را افشا کند، حول چگونگی پیشروی عملی جنبش زنان برای کسب مطالباتش خواهد بود. در این پروسه است که فعالیت محافل سوسیالیستی پراننده و فی الحال موجود در جنبش زنان می تواند متحد شود و با تضعیف استراتژی حاکم بر کمپین یک میلیون امضا فضایی برای دخالت موثر در جنبش زنان بیابد. تمامی مباحث در جنبش زنان نشان می دهد که تا آنجا که به جنبه نظری بر می گردد گرایش سوسیالیستی در این جنبش بسیار قوی و قدرتمند است اما در تعیین پیشرویهای عملی جنبش زنان دارای سهم و نقشی که متناسب با قدرت تئوریکش باشد، نیست. قدرت و نیروی نظری و تئوریک محافل فی الحال موجود سوسیالیستی در جنبش زنان تنها زمانی سهم سزاوار و شایسته خود را در تعیین سرنوشت جنبش زنان بدست می آورد که این قدرت نظری در تبیین و دفاع از یک استراتژی سوسیالیستی بکار گرفته شود. درست همانند مباحث تئوریک و نظری در جنبش کارگری و جنبش دانشجویی در چند ساله گذشته که همگی در خدمت تبیین، بیان و دفاع از یک استراتژی واقع گرایانه و کارساز سوسیالیستی در این جنبشها شد، در جنبش زنان نیز موقعیت ضعیف یا قوی گرایش سوسیالیسم کارگری در نهایت به حد و درجه ای باشد که این جنبش استراتژی این گرایش را برای پیشروی عملی خود در راه کسب مطالباتش بر می گزیند و لذا هم موفقیت و هم موانع پیشروی آن برای همگان قابل مشاهده، نقد و ارزیابی است.

ادامه دارد